

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند
یکسره بی اساس باشد ولی میتواند
کاملاً غیراصولی باشد<
بخش ششم

امیرفیض- حقوقدان

یک نفر آمد برون از منجلا ب آن دگروارد شدستی با شتاب

کاراین دنیا چنین است پیچ، پیچ درجهان نبود اصولی هیچ، هیچ

مقدمه این تحریر به موضوعی که در صدر جریان نامه هشدار به ولیعهد سابق قرار گرفته اختصاص دارد و آن موضوع استیضاح کسانی است که از نامه مزبور عدول کرده اند. در برنامه رودست که با شرکت خانم رکسانا گنجی جریان یافت و شاید آن برنامه هم شایسته نقد قرار گیرد به تصمیم آقای قاضی سعید و ضیاء آتابای و مانوک خدابخشیان در برائت از نامه مزبور، توجه استیضاح شد و این جریان مصادف با ورود آقای غلامعلی امیرابراهیمی به جمع نامه هشدار است، آنهم با افتخار که واقعا میتوان از آن نامه و محتویات آن بعنوان منجلا ب یاد کرد که شعر بالا به آن مناسبت یافت.

استیضاح ناوارد

استیضاح خانم گنجی از آقای قاضی سعید و دیگران بمناسبت عدول و برائت از نامه هشدار از نظر منطق حقوق اجتماعی بکل مردود است زیرا:

◀ عدول از تصمیم و حتی قرارداد های رسمی حق مسلم انسان هاست منتها اگر عدول متضمن خساراتی به طرف باشد تامین و جبران خسارت بعهده عدول کننده از قرارداد است؛ حتی در منشور سازمان ملل هم به ملت ها اجازه داده شده در مسیر حق حاکمیت، حتی قرار دادهای با کشورهای دیگر را هم به شرط تامین خسارت آنها ملی کنند.

◀ کاغذ پاره ای که نه امضا دارد و نه مرجع صادر کننده آن مقامی است که حق ایجاد تعهد داشته باشد، کسانی که آنرا شفاها و حتی کتبا تأیید کرده باشند، این حق مسلم آنهاست که وقتی آنرا بادقت خواندند و یا بهر دلیلی تمایل به همکاری و تأیید اجرائی آن نامه نداشتند از آن نامه ابراز برائت و کناره گیری کنند. نامه هشدار اگر از سوی یک شخصیت حقوقی صاحب صلاحیت هم صادر شده بود، حق عدول از آن نامه برای کسانی که آن نامه را امضا و حتی در بخشی از اجرائیات آن نامه هم مشارکت داشته باشد حق مسلم قانونی و اخلاقی آنها است چنانکه کسانی نسبت به قطعنامه شورای تجزیه طلبان پس از امضای آن قطعنامه و اجرای برخی تشریفات آن، از شورای مزبور کنار کشیدند. چنانکه صدها مورد در خارج از کشور قطعنامه ای به امضا و با ذکر نام کسانی

شده است وبعد مورد برائت آنها واقع شده است. چنانکه افرادی عضویت سازمان هائی را قبول کرده وبعد نه تنها کناره گیری کرده اند که مخالفت هم کرده اند.

✓ مثالی آورده شود بجاست؛ کسی خانه ای را قولنامه میکند بعد بهر جهت از خرید خانه مزبور خودداری میکند؛ اگر قولنامه ضمانت اجرا داشت ممکن است مسئول پرداخت ضمانت باشد و اگر ضمانت نداشته باشد هیچ کار غیر اصولی انجام نگردیده است. اساسا در حقوق اروپائی حق عدول یکی از حقوق مسلم انسان ها شناخته میشود؛ در اسناد و قرارداد های رسمی برای اینکه طرفین از حق برائت و عدول و فسخ استفاده نکنند نوشته میشود: >اسقاط کافه خیارات بخصوص خیار غبن< و اگر نوشته نشود هریک از طرفین حق فسخ یعنی برائت را خواهند داشت.

بعد از فروش یس گفته نمیشود

میدانید که در معاملات درست، خریدار حق دارد که معامله خرید را فسخ کند و جنس را برگرداند؛ ولی در برخی کشورها (پس از فروش پس گرفته نمیشود) معیار عمل معاملات است؛ پیشقروالان نامه هشدار از رویه بعد از فروش پس گرفته نمیشود استفاده میکنند،^۱ که غالبا اجناس قلبی و بیانداز و در رو مورد معامله آنهاست، و اگر خریدار جنس (تائید کنندگان نامه هشدار) بخواهند عدول از معامله کنند با اعتراض فروشندگان جنس قلبی مواجه میشوند (اعتراضات خانم رکسان گنجی).

◀ کسی با جمعی که ادعای کارهای خیر و اجتماعی دارد همکاری میشود و حق عضویت هم میدهد بعد متوجه میشود که حضرات کارهای غیر اجتماعی و بیشتر غیر قانونی و مخرب دارند آیا چون عضویت آن گروه را قبول کرده باید در جنایات آنها شریک بشود و اگر کنار بکشد نامرد است؟!

این چه طرز فکر و برداشتی است که خانم رکسانا گنجی آنرا در برنامه رودست علیه آقای پرویز قاضی سعید و دیگران تابلو کرده است.

نویسنده این تحریر، درموردی از آقای امید دانا دفاع کردم و درمورد نامه هشدار مخالفت میکنم پس چون مخالفت میکنم قابل استیضاح هستم؟

اشکال خانم گنجی و همانند ها او در این است که فرق بین حمایت از شخص و مورد را نمیدانند و مخلوط میکند و توجه ندارد که مبارزه اعتقادی به شخص مربوط نمیشود و برخاسته و پیوسته با موارد و در نهایت عقیده است.

◀ درتحریر قبلی آقای قاضی سعید درمورد ایجاد استعداد سیاسی برای آمریکا علیه تمامیت ارضی مورد استیضاح سخت قرار گرفت آنهم در حدی که همه تائید کنندگان آن نامه در موقعیت تصمیم گیری در همکاری با ایشان قرار داده شد. آن تحریر توجه به موردی داشت و تحریر اخیر توجه به مورد دیگری دارد و هیچکدام از آن تحریرات توجه به شخص ایشان ندارد بلکه به مواردی دارد که آقای قاضی سعید در جریان آن موارد قرار گرفته است.

۱ - درست مانند عملی که رژیم اسلامی ملایان انجام میدهد و چیزی را که به ملت تحمیل کرده را پس نمیگیرد. ح-ک

❖ یقین دارم که همین خانم گنجی نامه هشدار را بادقت لازم و آنهم تا پایان نخوانده و اگر خوانده نفهمیده و برسم اغلب ما ایرانیان که نخوانده ملاحظه کنیم، هرگز نگاه متفکرانه به آن نامه نداشته. این نامه بدترین و کثیفترین نامه ای است که ممکن است کسی درحق کسی بنویسد و او را تهدید کند؛ در صورتی که برانت از اموری که مورد حکم قرار گرفته نکند دشمن وجودی ایران شناخته میشود وعده ای هم آنرا گواهی کنند.

مگر خانم گنجی معنای دشمنی آنهم دشمنی وجودی با ایران را نمیداند که شاهزاده رضاپهلوی! را به آن صفت متصف ساخته اند؟؟

❖ هرکس نامه هشدار را تا پایان بخواند و رابطه مقدمه و نتیجه آنرا درک کند بطور حتم از حکم اجرایی نامه سخت متالم و منقلب میشود. خیلی حرف است حکم دشمن وجودی ایران.

❖ خانم گنجی؛ شما که مدعی یک مبارز با سابقه هستید آیا چنین نفرین و یا قضاوتی از کسی و یا مقامی درحق یک ایرانی خارج از کشور شنیده اید که دومی آن اعلیحضرت رضاه دوم که شما در گذشته ایشان را خطاب میکردید باشند؟

حال اگر قاضی سعید و یا دیگران متوجه این قسمت از نامه مزبور شدند و وجدان آنان بر آنها نهیب زد و آنها راه برانت از نامه را انتخاب کردند باید شما در مقابل میلیون ها مردم عمل آنها را محکوم و خود آنها را به بی بند وباری در عقیده نسبت به آن نامه متهم سازید؟! تصور نمیکنم کسی در تقبیح عمل شما تردیدی داشته باشد.

❖ آقای پرویز قاضی سعید نمیتوانست با آن نامه همراه شود زیرا در روزنامه عصر امروز نوشته بود <قلم من بشکند اگر علیه سلطنت بنویسم> (مشروح درسنگر ۳۵۸+۳۳۲) همراهی با نامه هشدار با اعلامی که از ناحیه قاضی سعید منتشر شده بود کاملاً منافات داشت. بیداری و هشیاری قاضی سعید در این مورد خاص قابل تقدیر است.

اثر حقوقی نامه هشدار

❖ اولین و آشکارترین اثر نامه هشدار برای کسانی که آن نامه را تائید میکنند این است که شاهزاده آنها نمیتواند فعالیت سیاسی داشته باشد زیرا:

کسانی که شخصی را دشمن وجودی ایران میدانند باید او را از خود برانند و از ایرانیت خلع کنند و در اولین فرصت مجازاتش کنند؛ نه اینکه انتظارات سیاسی عدیده ای که در راس آن نجات ایران است از او داشته باشند.

واقعا این مضحکه عجیبی است که از دشمن وجودی ایران نجات ایران را خواست! فکر نمیکنم در جامعه سیاسی هیچ کشوری این چنین هرج و مرج فکری رواج داشته باشد.

❖ در یک مبارزه اصیل و پاک همه کوششها بر این امر مقدم است که دشمنان ایران شناخته شوند و مبارزه بطرفیت آنها شکل گیرد حال ایرانیان آمده اند و از دشمن وجودی ایران درخواست رهبری مبارزه دارند؛ این رفتار متناقض، مبارزه سیاسی نیست جنون سیاسی است.

◀ خانم رکسانا گنجی در برنامه رودست میگوید: «ماروی شما (مقصودشان شاهزاده!شان است) حساب میکنیم، ماروی شما برای محافظت از آب و خاک ایران حساب میکنیم و.....» چطور ممکن است روی کسی که دشمن وجودی ایران است این حسابها را کرد؟

ایشان در همان برنامه دوبار گفتند که «هیچ فردی بالاتر از ایران نیست شاهزاده را ماهمه دوست داریم»

آیا هنوز هم دشمن وجودی ایران را دوست دارید و این تناقض قابل توجیه هست؟

◀ خانم گنجی اینها که بعنوان نمونه عرض شد قرآنی است که این باور را بوجود میآورد که شما هنوز هم نامه مزبور را تا آخر نخوانده اید و به عبارت دشمن وجودی ایران نرسیده اید و یا درک آنرا نداشته اید.

والا شما و یاهرانسان با قدری وجدان محال است که از آن حمایت و یا آنرا تانید کند.

شما میفرمائید؛ این دمرکراسی است که عده ای نامه هشدار را امضا کرده اند. بله دمرکراسی است ولی نه حکمی که یک ایرانی وطن پرست را محکوم به دشمنی وجودی با ایران کند. دمرکراسی این نیست که کسی با تهیه نامه ای آشوبی بپا کند و خودش را معرفی نکند. این طریق، کار گروه های خراب کاری است که فرمان و حکم های محرمانه میدهند.

دمرکراسی این نیست که کسانی تحمیل محدودیت برای دیگران کنند و ضمانت اجرای آنرا دشمنی وجودی با ایران بگذارند این امر اگر در کشوری غیر اسلامی روی میداد بطور حتم قابل تعقیب بود.

◀ بنده از صحبت های سرکار خانم دریافتم که شما میدانید که این نامه را چه کسی نوشته است چرا از معرفی او امتناع دارید شما که معتقدید یک کار دمرکراسی و خیرخواهی صورت گرفته چرا در پنهان کاری این لجن پراکنی و اعلام جرم دشمنی وجودی ایران به یک فرد وطن پرستی که خود شما به اودلبسته اید مشارکت دارید. نامی که در لفافه میبرید شناسایی نیست.

خود شما هم اگر روابط دوستی و غرور زنانه شما نبود بی شک پس از اطلاع از ضمانت اجرای نامه مزبور قبل از آقایان آتابای و قاضی سعید از تانید آن نامه برائت میفرمودید.

آیا شما خودتان تحمل آنرا دارید که بشما گفته شود دشمن وجودی ایران هستید یک زن بدنام بی آبرو که درک اتهام فاحشگی را هم ندارد به تانید کنندگان نامه از جمله به شما عنوان وابستگی به جمهوری اسلامی را داده از کوره در رفته اید، آیا عنوان وابستگی به جمهوری اسلامی سنگین تر است یا دشمن وجودی ایران بودن که شما به یک ایرانی وطن پرست داده اید؟ باز هم میگوئید «در آن نامه بی حرمتی نشده است» پس بی حرمتی در فرهنگ شما چیست؟؟

◀ میدانید رفتار شما در دفاع از نامه مزبور تشابهی با اظهارات آخوند پور محمدی دارد که گفت: «اعدام های سال ۶۷ کار خوبی بوده و امر خدا اجرا شده است».

◀ خانم گنجی به اشتباه و اینکه آقای امید دانا هم جوان است و از اشتباه و تند روی در امان نیست تمسک جست. کاملاً درست است ولی کسی که اشتباه میکند اصرار درجا انداختن اشتباهش نمیکند؛ «عذر تقصیر بخواهد که معامل بیناست» اصرار سخت آقای امید دانا از حمایت از آن

نامه و تلاش درمخفی سازی نویسندگان آن نامه تمام اتهامات سنگین آن نامه یعنی اتهام دشمنی وجودی با ایران را متوجه شخص آقای امید دانا میسازد.^۲

دومین اثر سیاسی نامه مزبور

دومین اثر این نامه ثبت آن درکارنامه سیاسی مبارزه ایرانیان، علیه جمهوری اسلامی است و از آنجا که بهرحال رئیس ورهبر اپوزیسیون شخص شاهزاده رضاپهلوی!! است نتیجه وقضاوت مورخین این خواهد شد که قائمه مبارزه ایرانیان اپوزیسیون بردشمنی وجودی با ایران شکل گرفته است.

یادتان هست که خمینی و موسوی یکی دوبارگفتند: «ایران چیه ما کشوری به این نام نمیشناسیم» فقط گفتند و هیچ امضائی هم جمع نکردند و درهیچ تلویزیونی هم ازاین فاجعه دفاع نکردند (مقایسه کنید با هنگامه ای که خانم رکسان گنجی و آقای امید دانا و غلامعلی امیرابراهیمی و... در دفاع از نامه هشدارکردند) معهذرا ایرانیان ول کن همان اهانت به ایران نشدند. درحالیکه حکم صادره با امضای ۵۳ نفرعلیه شاهزاده! مبنی بردشمنی وجودی با ایران هزاران مرتبه مهم تر از اظهارات موسوی و خمینی درباره ایران است و ثبت این فاجعه عظیم درتاریخ سیاسی مبارزه ایرانیان برون مرزی ذره ای آبروی میهنی و میهن دوستی برای خانواده پهلوی و ایرانیان هوادارسلطنت باقی نخواهد گذاشت؛ و ما را در موقعیتی به مراتب بدتر از هواداران خمینی نسبت به مسائل میهنی قرارخواهد داد.

◀ کسانی که خود را دوستدار و وفاداران به شاهان پهلوی معرفی میکنند (آقای امید دانا و ...) و وجود تصاویر آنان را در اطاق کارشان سند و دلیل قرار میدهند فراموش نکنند که روح آن پادشاهان وطن پرست ازچنین حکمی که علیه فرزند آنان ازسوی چند ناشناس و تائید عده ای ایرانی قرارگرفته به درد و آتش کشیده میشود.

◀ آقای امید دانا بدانند که احترام به شاهان پهلوی در راستای عقاید آنهاست که آن عقاید به دستاوردهای اقتصادی و سیاسی، آموزشی و افتخارات عظیم ملی منجرشده است؛ نه اسم و یا هیکل آنان. در راسی عقاید آنان حفظ و حراست از نظام سلطنت مشروطه و تداوم سلطنت رضاشاه دوم قرارداد که حضرات آنرا گسستند و به آنها اکتفا نکردند و آقای امید دانا با حواله فکر خودشان اساسا سلطنت اعلیحضرت رضاشاه دوم را منتفی شده اعلام کردند و باز به این هم اکتفا نکردند در این نامه لوح دشمنی وجودی با ایران را به نام فرزند ان پادشاه ثبت کردند.

^۲ - از فحواي گفتگو های خانم گنجی و آقای دانا كاملا برآورد میشود، هدف آنان خانم لیلا (نازیلا) گلستان است که یک روزنامه نگار بین المللی اورا «فاحشه سیاسی» خوانده و ککش هم نگزیده و میخواهند او و همفکر و همکارش رضا پیرزاده را از کنار اعلیحضرت دور کنند ولی نشانه تیرکمان را درست به قلب اعلیحضرت گرفته اند و همه داستان «ملت سازی» و «تمامیت ارضی» بهانه ای است. طرچی که دو نشان را اگر نژد حتما نشان دوم را که بی اثر کردن تلاش های اعلیحضرت است را خواهد زد، ...ح-ک

برده یوشی عام

عجیب اینکه حتی یکنفر از کسانی که در مقام دفاع از نامه مزبور بر آمده به مسئله دشمنی وجوی با ایران که به اعلیحضرت ما نسبت داده شده اشاره ای نکرده و نمیکند همانند آن است که یک اجماعی در این مورد جریان دارد.

از باب نمونه؛ در برنامه آقای مسعود صدر ایشان نامه هشدار را خواند ولی نه تا آخر یعنی خواست که آن زخم بزرگ که دشمنی وجودی با ایران است در آن نامه فاش شود.

آقای صدر که سلام نظامی به شاهان پهلوی در همان برنامه داد چگونه از نامه ای دفاع میکند که فرزند همان شاهان پهلوی به دشمنی وجودی با ایران محکوم تعدادی از ایرانیان شده است؟ وای از این رفتارهای دوگانه.

خراب کرد خانه مارا همین دورنگی ها نهادم پا بهر جمعی ندیدم یک طریقی را

سوال محترمانه از خانم گنجی

- ۱- سرکار خانم رکسانا گنجی شما در برنامه اخیر رودست اشاره کردید که سالها از عنوان قانونی اعلیحضرت رضاشاه دوم استفاده میکردید؛ سوال این است که مبنای خطاب قرار دادن اعلیحضرت با عنوان قانونی رضاشاه دوم چه بوده و به چه علت منطقی و یا قانونی ویاسنتی از آن عقیده و رویه عدول و برانت جستید و اعلیحضرت را شاهزاده خطاب میکنید؟؟
- ۲- آیا بنظر سرکار خانم برانت و یا عدول از نامه هشدار مهم تراسست و یا عدول از اعتقادی که در نهایت اعلیحضرت رضاشاه دوم لاجرم تبدیل به شاهزاده رضا پهلوی شد؟؟

